

ابو منصور عبد القاهر بن طاهر بغدادی

نام و نسب وزندگانی او : ابو منصور (۱) عبد القاهر (۲) بن طاهر ابن محمد التمیمی (۳) البغدادی ، فقیهی اصولی و عالم در علم کلام و حساب و مردی ادیب و شافعی مذهب و مولد و منشأش ببغداد بود و با پدرش طاهر بن محمد به نیشاپور سفر کرد و در آن شهر مسکن گزید .

تاج الدین سبکی (۴) در تذکرۀ حال او هینویسد که : او پیشوائی بزرگوار و بلندپایه بود و نام او بدانشوری تابیه‌لاد دور دست شهرت یافت و بیشتر اهل خراسان در آن روزگار از دانش وی برخوردار شدند و اخود از عمر و بن نجید ، و ابو عمر و محمد بن جعفر بن مطر ، و ابو بکر الاسماعیلی ، و ابو بکر بن عدی و دیگران استماع حدیث و کسب علم کرد .

ابن خلکان (۵) گوید : که عبد الغافر ابن اسماعیل الفارسی در سیاق تاریخ

(۱) در قاموس الاعلام ترکی شمس الدین سامی ج اول ص ۷۶۳ کنیه او « ابو المنصور » باحریف تعریف برسر منصور آمده که غلط است . در این کتاب تذکرۀ حال ابو منصور از روی « فوات الوفیات » کتبی ترجمه شده و در لغت نامه دهخدا ص ۸۶۷ تذکرۀ حال او از روی قاموس الاعلام ترکی و ابن خلکان نقل شده است .

(۲) در ترجمۀ دائرة المعارف اسلامی بترکی نام او « عبد القادر » آمده که باستی غلط مطبعی باشد . رجوع شود به شرح حال ابو منصور در دائرة المعارف اسلامی بانگلیسی و فرانسه تحت عنوان البغدادی :

Al Baghdadi : Encyclopaedia Of Islam .

Al Baghdadi : Encyclopédie De L ، islam .

(۳) در کتاب « فوات الوفیات » محمد ابن شاکر ابن احمد الکتبی ، المتوفی سنة ۷۶۴ طبع مصر ۱۲۹۹ هـ ج اول ص ۲۹۸ نسبت او « تمیمی » آمده که ظاهراً تصحیف شده و و صحیح همان « تمیمی » است .

(۴) طبقات الشافعیة الکبری تأليف : تاج الدین ابی نصر عبد الوهاب ابن تقی الدین السبکی متوفی در ۷۵۶ هـ طبع مصر ج سوم ص ۲۳۸ - ۲۴۲

(۵) « وفیات الاعیان » ابن خلکان ، متوفی در ۶۸۱ هـ طبع مصر ۱۲۷۵ هـ ج ا س ۴۲۳

نیشابور از او باد کرده و هینویسد که ابو منصور با پدرش به نیشابور در آمد هر دی توانگر و بازروت بود و مال خود بر اهل دانش و حدیث انفاق کرد (۱) و از معلومات خود مالی نیمدوخت و در چندین علم تصنیف کرد و در فتوح مختلف سرآمد اقران خویش گشت و هفده فن را تدریس میکرد و فقهه را از استادش ابو اسحق اسفراینی ییاموخت و پس ازاو دو سال بجای وی بتدریس و املاء در مسجد عقیل بن شست و ناصر هروزی وزیر اسلام قشیری و جز آندو از ائمه وقت نزداو تلمذ کرده بودند.

ابو منصور همچنان در نیشابور میزیست تا در فتنه ترکمانان (۱۰۳۷-۴۲۹)

ناگزیر بترک آنشهر شد (۲) و به «اسفراین» (۳) هجرت کرد.

(۱) مال خود را بر اهل علم و حدیث انفاق کرد تا فقیر شد (معجم المطبوعات العربیه

ج ۱ ص ۱۴۴)

(۲) ابن خلکان، مقصود از فتنه ترکمانان هجوم ترکمانان سلجوقی است بخراسان آغاز این فتنه در ۴۲۳ هجری بود در این سال ترکان سلجوقی که از مدتها پیش زمینه تسلط خویش را بر خراسان فراهم آورده بودند علناً بر سلطان مسعود عز نوی قیام کردند و بالاخره از ماوراء النهر و مسکن خود قریه «نور» بخارا مهاجرت کرده و بدامنه جنوی جبال خراسان یعنی در جنوب ریگزار ترکستان حالیه و حوالی شهر «نسا» کوچ کردند در ۴۲۵ از سلطان خواستند که اجازه اقامت در خراسان بایشان دهد ولی سلطان بجنك بایشان پرداخت و پس از نبردهای لشگر سلطان شکست خورد و وی ناچار شد که سه ولابت نسا، واپیورد، و فراوه، و ابت ریب بطغول، و داود، و بیغوی، سلجوقی و اگذار و بایشان لقب «دهقان» دهد. در شعبان ۴۲۹ پس از بازگشت از سفر هند سلطان مسعود «سباشی» حاجب بزرگ خود را مأمور دفع ترکمانان کرد او که در باطن با سلجوقیان مواضعه کرده بود اموال خود برداشت و بگریخت و طغول باسانی برخراسان دست یافت و نیشابور را بی جنک از «ابوسهل حمدوی» بگرفت و در شوال ۴۲۹ در آنشهر بر تخت نشست و خود را شاه خواند «رجوع شود به راحة الصدور در تاریخ آل سلجوق ص ۱۰۱-۹۷

طبع اروپا، وتاریخ ابن الائیر در حوادث سال ۱۲۹ و پیش از آن»

(۳) اسفراین، بفتح همراه و سکون سین وفتح فاء وراء والف و کسری باعوسکون یاء دوم و نون. از نواحی نیشابور بر نیمه راه چرچان و نام قدیم آن «مهرجان» و بقول ابوالقاسم بیهقی اصل آن «اسپر آئین» بوده است چه «اسپر» بمعنی سپر و «آئین» بمعنی عادت است و این وجه نسیمه از این جهت است که مردم آنرا عادت بحمل سپر بوده‌اند

سبکی : از قول ابوالحسن بن نصر زبیدی فقیه بسروایت ابو عبدالله محمدبن ...

عبدالله فقیه مینویسد:

چون ابو منصور با سفراین در آمد بحدیکه توصیف آن نتوان کرد مردمان از آهدنش شادمان شده مقدمه شدند را کرامی شمردند. (۱) ظاهرآ باعث هجرت وی به اسپراین یکی ارادت هفتر ط او باستاد فقیدش ابو اسحق ابو ابراهیم بن محمد المتكلم الاسپراینی ، متوفی در (۱۰۲۷ر۴۱۸) و شوق زیارت و مجلورت قبر او و دیگر وراثه دعوت و اصرار شاگرد و دامادش «ابوالمنظفر شاهه فور بن محمد الاسپراینی» صاحب کتاب «التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجية عن الفرقة الهاشمیة» متوفی در ۴۷۱ هجری بوده است. ابوالمنظفر در کتاب خود التبصیر از برگزیده بحث‌های استاد خویش ابو منصور عبدالقاہر بغدادی استفاده کرده است و چنانکه مینویسد از مصاہره این دو دانشمند بزرگوار نسلی پیدا شدند که به بلخ رفته و سلسله‌ای از علماء و بزرگان آن شهر را تشکیل دادند (۲)

ابو منصور جز اندکی در اسپراین نزیست و در سال ۴۲۹ ه به مانجا در گذشت (۳).

بقول سبکی ابن نجاش در تاریخ خود هر ک اورا در ۴۱۷ دانسته و این تصحیفی از ناسخ یاوه‌همی از هصنف است (۴).

است ؟ ناحیت آن مشتمل بر ۵۱۴ قریه است (معجم البلدان یاقوت حموی طبع اروپاچ اص ۲۴۸). اسپراین نام یکی از بخش‌های سه گانه شهرستان بجنورد که در کوه شاهجهان و شمال کوه هرده واقع است . حدود آن از شمال به بخش شیروان و بخش حرمهواز جنوب به بخش جغتای و از مشرق به صفحی آباد و از غرب شهرستان گرگان است . مرکز آن بخش میان آباد میباشد که ۳۲۹۲ تن جمعیت دارد . اسپراین از چهار دهستان : حومه در میان ، جاجرم ، سنهات ، شقان ، تشکیل شده و دارای ۱۵۴ آبادی بزرگ و کوچک و دویه مرتفه ۵۹۴۶۸ تن نفوس دارد . زبان مادری اهالی ترکی و فارسی و کمی کردی و مذهب آنان شیعه است «فرهنگ جغرافیائی ایران استان نهم خراسان ص ۱۸ اسپراین»

(۱) طبقات الشافعیه . (۲) مقدمه کتاب التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجية عن الفرقة الهاشمیة اسپراینی طبع مصر ۱۹۴۰

(۳) ابن خلکان .

(۴) طبقات الشافعیه

ابن عساکر در کتاب التبیین مینویسد: که اهل علم براین قول هتفقند که ابو منصور را در کنار قبر استادش ابو سحق ابراهیم بن محمد الاسفرایینی بخاک سپردند. و قبر آندو با یکدیگر چنان بهم چسبیده که گوئی دونجمند که مطلعی آندورا فراهم آورده و یا دو کوکبند که برج بلندی آندورا بهم پیوسته است (۱)

شاعری او : ابو منصور گذشته از مقامی شامخ که در علم و ادب داشته از قریحه شاعری نیز بی نصیب نبوده گله‌گاهی اشعاری میسر و دارای معانی لطیف و بدیع بوده است، دیوانی از او در دست نیست و شاید هم اصلاً دیوانی نداشته است فقط قطعات و ایاتی از او در بعضی از کتب تواریخ و تذاکیر یاد شده است.

از اشعار او :

فسمعا لذاك و ذامن دليل	شبابی و شبیه دلیلار حیلی
و حسبي دلیلار حیل العدیل (۲)	وقدمات من کان لی من عدیل

دیگر:

یامن عدی نم اعتدی نم اقترف	نم انتهی نم ارعوی نم اعترف
ابشر بقول الله فی آیات	ان ینتهو یغفر لهم ما قد سلف (۳)

(۱) مقدمه محمد زاهد الکوثری بر الفرق بین الفرق طبع مصر . و نیز برای تذکره حال ابو منصور در منابع اروپائی مرجع شود به :

Goldziher , « Vorlesungen über den Islam »

۳۴۹ ص ۶۵ مجلد ZDMG .

Friedlander , « Journal American Oriental Society »

مجله ۲۸ ص ۲۹

Wüstenfeld , Die Shāfiiten , No , 345 Abhandlung des
Ges . der wiss , Göttingen ۳۴۵ ص ۳۷ جلد

C . Brockelmann , « Geschichte der arabischen litteratur »
Leiden 1937 . ضمیمه اول ص ۶۶۶ .

(۲) فوات الوفیات

(۳) طبقات الشافعیه

دیکشنری

یا سائلی عن قصة
المال في ايدي الورى
دیگر

طلبـت منـالـجـمـيـب زـكـاة حـسـنـ عـلـى صـفـر هـنـعـمـ الـبـهـىـ
 فـقـال وـهـل عـلـى مـثـلـي زـكـاةـ عـلـى قـوـل الـعـرـاقـيـ الزـكـىـ
 فـقـلـت الشـافـعـىـ لـنـا اـمـامـ وـقـد فـرـضـ الزـكـاةـ عـلـى الصـبـىـ (٢)

دیگر اشعاریست که در رد مذاهب مخالف عقیده خود گفته که گاهی در ضمن کتب کلامی او چون الفرق بین الغرق دیده میشود و اغلب متكلفانه است و از تعصب خالی نیست چنانکه در جواب قصيدة کثیر شاعر (۳) که از زعمای کیسانیه بود گفته است

لقد افنيت عمرك بانتظار
لمن واري التراب له عظاما
فليس بشعب رضوان امام
تراجعه الملائكة الكلام

(١) فوات الوفيات

(٢) طبقات الشافعية وفوات الوفيات

ابن شاكر كتبى مينو يسد كه اين شعر مثل قول امير ابو الفضل ميكالى است كـ
گويد: اقول اشادن فى الحسن فرد يصيـد بـلحظـه قـلب الـكمـى . مـلـكـتـ الحـسـنـ اـجـمـعـ فـى نـصـابـ
فـادـ زـكـاةـ منـظـرـكـ البـهـىـ . وـذـاكـ بـاـنـ تـجـودـ لـمـسـتـهـامـ بـرـشـفـ مـنـ مـقـبـلـكـ الشـهـىـ
فـقاـلـ اـبـوـ حـنـيـفـةـ لـىـ اـمـامـ يـرىـ انـ لـازـكـاةـ عـلـىـ الصـبـىـ ،
اـبـنـ شـعـرـ رـاـ تـقـىـ الدـيـنـ سـبـكـىـ تـعـامـ كـرـدـهـ : فـقاـلـ اـذـنـ اـذـهـبـ فـاقـبـضـ
بـرـاـيـ الشـافـعـىـ مـنـ الـولـىـ . فـقـلـتـ لـهـ فـدـيـتـكـ مـنـ فـقـيرـ اـيـطـلـبـ بـالـوـفـاءـ سـوـىـ الـمـلـىـ .
نـصـابـ الـحـسـنـ عـنـدـ ذـوـامـتـنـاعـ بـلـحـظـكـ وـالـقـوـامـ السـمـهـرـىـ
فـانـ اـعـطـيـقـنـاـ طـوـعـاـوـالـاـ اـخـذـنـاهـ بـقـولـ الشـافـعـىـ .

(٣) بعضی از ایيات کثیراًینها است: الاَقْلُّ لِمَوْصِي فَدَتَكَ نَفْسِي اطلت بذلك الجبل المقاما
اضر بمعشر والوك منها وسموك الخليفة والا ماما .
وعادوا فيك أهل الارض طرا مقامك عندهم سبعين عاما .
وماذاق ابن خولة طعم مدت ولا وارت له ارض عظاما.
لقد امسى بمجرى شعب رضوى تراجعه الملائكة الكلامـا .
ن له لرزقا كل يوم واشربة يعل بها الطعامـا (الفرق بين الفرق ص ٢٩)

ولا من عسنه عسل وماء و اشربة يعل بها الطعام
وقد داق ابن خولة طعم موت
كما قد داق والده الحماما
ولو خلد امر لعلو مجد
تعاش المصطفى ابداً وداما
تالیفات او: ابن خلکان هینویسد: ابو منصور در فنون عدیده خاصه در علم
حساب ماهر بود و اورا تالیفات سودمند و از جمله کتاب «التمکله» است و نیز عارف
به فرائض و نحو بود و اورا اشعاری است (۱)

تاجالدین سبکی هینویسد که امام فخر رازی در کتاب «ریاض المونقه» گوید: که ابو منصور چون اجل بر مخالفان خود می تاخت و بی محا با برداشان می پرداخت و در علم حساب و مقدار و کلام و فقه و فرائض و اصول فقه دست داشت و اگر اورا جز کتاب تکمله در حساب نبودی همان به تنهایی فضل اورا کفایت کردی . سبکی این کتابها را باو نسبت میدهد (۲) : ۱- کتاب الململ والنحل ، کتابی مختصر است و در نوع خود نظیر ندارد ، ۲- نفی خلق القرآن ، ۳ - کتاب الصفات ، ۴ - کتاب الإيمان و اصوله ، ۵ - کتاب بلوغ المدى عن اصول الهدی (۳) ، ۶- کتاب شرح العمادی مواریث العباد ، که در فرائض و حساب نظیر آن نیست ، ۷- کتاب شرح مفتاح ابن القاص ، و آن کتابی است که رافعی در آخر باب رجعت از آن نقل کرده است ۸ - کتاب نقض ما عمله ابو عبدالله الجرجانی فی ترجیح مذهب ابی حنيفة ، ۹ - کتاب الوطءالنام ، وهوالمعروف بالبقاء الختنین ، که چهار جزء هیباشد ، ۱۰ - ابن الصلاح گوید : که کتابی از او درباره معنی تصوف و صوفی دیدم که در آن هزار کفته از اقوال صوفیه را بترتیب حروف معجم گردآورده بود : باری ابو منصور در همه تصنیف خود در حسن ترتیب آنها بی اندازه مبالغه کرده است .

علاوه از آنها، کتابهای ذیل را هم محمد بن شاکر کتبی باو نسبت داده است. (۴)

(١) وفيات الاعيان (٢) طبقات الشافعية (٣) بلوغ المدى في اصول المهدى
(٤) فوات الوفيات . ابن شاكر كتبى

۱۱ - تأویل متشابه الاخبار ، ۱۲ - تفسیر القرآن ، ۱۳ - فضائح المعتزله (۱)
 ۱۴ - الكلام في الوعيد ، ۱۵ - الفاخر في الا وائل والا وآخر ، ۱۶ - ابطال القول
 بالتوّلّ ، ۱۷ فضائح الكراميه ، ۱۸ - تفضيل الفقر الصابر على الغنى الشاكر ، ۱۹ -
 التحصيل في اصول الفقه ، ۲۰ - الفرق بين الفرق .

كتب موجود او: بیشتر کتابهای ناگفته دارد یا ازین رفتہ است و با آنها دسترسی
 نیست از تألیفات ابو منصور آنچه را که بنا به فهرست کتابخانه‌ها در دست نماید ،
 اینها است :

۱ - اصول الدین ، که در زند اهل علم معروف به «تبصرة البغدادیه » است
 تا از «تبصره النسفیه » تالیف ابو معین نسفى که «تبصرة الاadle» نام دارد متمایز باشد
 این کتاب را پروفسور ریتر در ۱۹۲۸ در آستانه (استانبول) بطبع رسانیده (۲)
 وهو ضوع آن بحث در اصول و عقاید دین اسلام از نظر کلام است .

۲_ الملل والنحل : نسخه این کتاب در مکتبه عاشر افندي استانبول (۳) و مکتبه
 اوقاف بغداد است (۴) ابو منصور بغدادی در الفرق بین الفرق در چند جا از این کتاب
 نام برده است .

۳ - کتاب تفسیر اسماء الحسناء (۵)

۴ - فضائح القدریه (۶) خلاصه این کتاب را خود مؤلف در کتاب دیگرش
 «الفرق بین الفرق» در فصل سوم از باب سوم آورده است .

۵ - التکلمة فی الحساب ، نسخه اش در کتابخانه «لاله لی» استانبول است (۶)

(۱) خلاصه این دو کتاب را خود مؤلف در کتاب دیگرش فضائح بین الفرق آورده است

(۲) اصول الدین بغدادی طبع آستانه (استانبول) ، بااهتمام ریتر ، ۱۹۲۸ هـ ۱۳۴۶

(۳) K . al milal wan - nihal , Ashir Ef . ۵۵۵ . (بروکلمان ادبیات عرب)

(۴) بنا بقول مرحوم محمد زاهد الكوتري در مقدمه الفرق و بین الفرق

(۵) B . Mus . or 7547 (بروکلمان)

(۶) Pro . D C . Brockelmann "Geschichte der Arabischen Litteratur" ، Leiden 1937 ، p , 666 (ضمیمه اول)

(۷) Lâleli , 2708 (بروکلمان)

۶- کتاب فی المساحه (۱)

۸- تأویل المتشابهات فی الاخبار والایات (۱)(۲)

كتاب الفرق بين الفرق از کتب معروف ابو منصور «الفرق بين الفرق وبيان الفرقة الناجية منهم» است که در فرق ومذاهب اسلامی ونقض عقاید وآرائی که بزعم او مخالف فرقه ناجیه است نوشته و ظاهر میرسد که این کتاب صورتی دیگر از کتاب «الممل والنحل» او که در تأثیف آن از محاضرات و مخطوطات استادش ابو اسحق اسفرائیی استفاده کرده است باشد.

امام فخر الدین رازی در مسئله دهم کتاب مناظرات (۳) خود که راجع بملل و نحل شهرستانی گفتگو کرده در باره کتاب الفرق و بین الفرق نیز اظهار نظر ضمنی نموده گوید: «روزی مسعودی (۴) که خداش بیامرزاد بر من در آمد و فرح و شادی بسیار داشت سبب این شادمانی را لازماً پرسیدم، گفت کتابهای نفیس خوبی پیدا کرده خریده ام و این خوشحالی هن بدان سبب است. گفتم آن کتابها چیست؟ کتبی را نام برد تا بکتاب «الممل والنحل» شهرستانی (۵) رسید. من گفتم: آری او مذاهب اهل جهان را در آن بزعم و پندار خود آورده و بر آن کتاب اعتمادی نیست، زیرا مذاهب اسلامی را از کتابی بنام الفرق بین الفرق از تصانیف استاد ابو منصور بغدادی نقل کرده و این استاد بر مخالفان خود ساخت تعصب داشت و مذاهب ایشان را چنانکه بایستی نقل نکرده، و شهرستانی نیز مذاهب فرق اسلامی را از آن کتاب گرفته است از این جهت در نقل این مذاهب مطالب او خالی از خلل نیست.

(۱) علیگره ۹۵۱۴ (بروکلمان)

(۲) ابو منصور کتابی هم بنام «الحرب على ابن حرب» دورد برجعفر بن حرب از معتزله داشته که در الفرق بین الفرق (ترجمه ص ۱۷۲) بآن اشاره کرده است.

(۳) مناظرات جرت فی بلاد ماوراء النهر فی الحكمة والخلاف وغيرهما بین الإمام فخر الدین رازی وغيره - المتوفی سنة ست وستمائة ۶۰۶ هـ الطبع اولی حیدر آباد دکن (هنده) ۱۳۵۵ هـ ص ۲۵-۲۷

(۴) در مسئله نهم همین کتاب فخر رازی از این «مسعودی» یاد کرده مینویسد «یکی از روزها که بسیار دلم تنک شده بود برشغ مسعودی وارد شدم و آن در سال ۵۸۲ بود» تا آنجا که میگوید: چون امام شرف الدین مسعودی این سخن را شنید.

(۵) محمد بن عبدالکریم شهرستانی متوفی در ۵۴۸ هـ

اما داستان احوال فلسفه بطور مستوفی در کتاب صوان الحکمه بحث شده و شهرستانی اندکی از مطالب آنرا در کتاب خود آورده است.

اما راجع به ادیان عرب آنچه را که نوشه از کتاب ادیان العرب جا حظ است چیزی که از مختصات ملل و نحل شهرستانی است فصول چهارگانه‌ای است که حسن بن محمد صباح بفارسی نوشته و شهرستانی آنرا بعربی نقل کرده است*

کتاب الفرق بین الفرق و بیان الفرقۃ الذاجیة هنهم تأليف ابو منصور بغدادی پس از فرق الشیعه ابو محمد حسن بن موسی نوبختی (۱) متوفی در ۳۰۰ھ، و کتاب مقالات الاسلامیین فی اختلاف المصلیین (۲) تأليف ابوالحسن اشعری متوفی در ۳۲۴ھ والتنبیه والرد علی اهل اهواء والبدع (۳) تأليف ابوالحسین محمد ابن احمد ابن عبد الرحمن ملطی متوفی در ۳۷۷ھ، اقدم کتب و فرق و مذاهب اسلامی است که تاکنون بدست ها رسیده و در این فن از دیگر کتب فرق همتعتر و پرمایه تر است: اگرچه از نظر بحث واستقراء و استعمال فرق اسلامی وغیر اسلامی بپای دو کتاب همردیف خود کتاب الفصل فی الملل والاهواء والنحل ابن حزم اندلسی متوفی در ۴۵۶ھ، و ملل و نحل شهرستانی متوفی در ۴۸۵ھ نمیرسد ولی از لحاظ قدمت فضیلت تقدم را بر آندو دارد. و آن از مآخذی است که درباره چگونگی پیدایش فرق اسلامی و تأثیر بعضی بر بعضی دیگر و نفوذ فلسفه‌های یونانی بویژه افلاطونی جدید و دینان مسیحی و یهودی و ایرانی و هندی در فرقه‌های اسلام معلومات سودمندی را در اختیار مامیگذارد. پس از این تحقیق معلوم می‌شود که علت ظهور بیشتر فرقه‌ها در اسلام عکس العمل عواملی است که در از اصطکاک فکر اسلامی با افکار فلسفی ملل غیر عرب در عراق و سوریه و ایران در دولت اسلام پدید آمده است و این خود دلیل پیدا نشدن فرق اسلامی قابل اهمیتی در جزیره العرب یعنی منطقه عربی الاصل می‌باشد.

هر گاه روش بحث ابو منصور را در کتاب الفرق بین الفرق باشیوه تحقیق علمای

(۱) فرق الشیعه نوبختی طبع استانبول و نجف

(۲) طبع قاهره ۱۹۵۰

(۳) طبع قاهره ۱۹۴۹

امروز قیاس کنیم بایستی طریقه او را روشنی غیر منصفانه بشمار آوریم و حتی او را در اینکه چرا درباره فرق اسلامی بهشی را که خالی از تعصبات مذهبی و منزه از هواي نفسانی و سیاست‌های عصری است فروگذارده سرزنش و ملامت کنیم، چه بساکه این صفت او را از مقام ارجمند یك‌مورخ بحاث و یه طرف بدرجه مردمی ستیزه جوی و اهل جدل و گامی بمرتبه کسیکه مردم را دست میاندازد و سخیریه می‌کند تنزل داده است.

صرف نظر از این مقتضیات عصری که موجب ایراد چنان ابحاث کلامی وجودی برای افهام خصم و نقض گفتار او بوده است اگر کتاب الفرق بین الفرق را از لحاظ نقد مباحث تاریخ حرکت فکری اسلامی مورد مطالعه قرار دهیم هنر مصنف را در بحث در چگونگی پیدایش فرق اسلام از همان روزگاران نخستین خود وارتباط تاریخی مسائل بایکدیگر درک کرده و کیفیت تأثیر افکار ایرانی و یونانی فلسفی و سریانی مسیحی را بر فکر عربی سامی در میابیم و در آن کتاب افکار کهن و فلسفه‌های گمشده را پیدا می‌کنیم که در کمتر کتابی آنها را توانیم یافت.

اگرچه بسیاری از فرقه‌های را که مؤلف از آن بحث کرده از میان رفته‌اند ولی تأثیر عقلی آن هنوز زنده است واقواعی که بعدها در اسلام پدید آمده‌اند آنها را چون میراثی ادبی بارت برده و در ضمن عقاید مذهبی و حیات فکری خود تا با امروز آمیخته‌اند.

نسخه‌های الفرق بین الفرق : اولین بار که این کتاب بحلیه طبع در آمد و بعرض استفاده اهل فضل گذارده شد از روی نسخه کتابخانه پادشاهی برلن بود این نسخه بسیار مغلوط و مغشوش است و غالباً اعلام در آن بدرستی ضبط نشده و احياناً افتادگی‌های نیز دارد و از جهه همین نقصها کمتر قابل اعتماد می‌باشد هنر تأسیانه محمد افندی بدر بدون هیچ تصریف و تصحیحی این نسخه را همچنان خام و ناپخته در ۱۹۱۰ میلادی در قاهره بطبع رسانیده است.

نسخه دیگر از این کتاب که اخیراً بدست آمده از آن چلبی زاده نامی از احفاد مولانا جلال الدین بلخی صاحب کتاب مشنوی متوفی ۶۷۲ ه بوده است و ترجیح بسیاری

از نظر صحت بر نسخه برلن و نسخه مختصر شده الفرق بین الفرق در دمشق دارد از این رو بیشتر قابل اعتماد و استناد است این نسخه را شیخ محمد زاهد بن الحسن الکوثری و کیل سابق مشیخه اسلامی در خلافت عثمانی که اخیراً بر حمایت ایزدی پیوسته است به نفعه عزت العطار الحسینی در ۱۹۴۸ هیلادی در قاهره بچاپ رسانیده است.

مختصر الفرق بین الفرق : در کتابخانه « ظاهریه » دمشق نسخه‌ای است

که عنوان آن « مختصر الفرق بین الفرق » تالیف عبدالقاهر بن طاهر، ابی منصور البغدادی رحمة الله . اختصار عبدالرزاق بن رزق الله بن ابی بکر بن خلف الرسعنی، عفاف الله عنه و نسخة الاصل بخطه، است این نسخه از نفائس مخطوطات کتابخانه ظاهریه است و با چند کتاب دیگر تحت شماره (۳۷) از علم توحید تجلید شده و مجموع آن نسخ بخط عبدالرزاق رسعنی است. و این عبارت در پایان از آن مجموعه آمده است. « نقله و الذى قبله في مجلسين آخرهما يوم الخميس ثامن جمادى الاول سنة سبع واربعين وستمائة عبد الرزاق بن رزق الله بن ابی بکر بن خلف الرسعنی حامداً لله تعالى » بنابر این معلوم میشود که همه نسخ این مجموعه را عبدالرزاق در سال ۶۴۷ هجری بخط خود استسانح کرده است .

متأسفانه او اخر نسخه مختصر شده الفرق بین الفرق از او سط فصل هفدهم از باب چهارم در ذکر باطنیه تا آخر کتاب افتاده و در وسط هم بعضی از صفحات آن ناقص است. چنانکه از کلمه « رسعنی » نسبت عبدالرزاق پیداست وی از مردم رأس عین (رشعنی) از بلاد بین النهرين بوده است و از نسخه او چنین معالم میشود که هوی تنها یک استنساخ کننده و کاتب نبوده بلکه از علم و ادب نیز بهره داشته و با معان نظر تو انسنه است که کتاب الفرق بین الفرق بغدادی را بنام « مختصر الفرق بین الفرق » تهذیب و تلخیص نماید (۱) این نسخه را فلیپ حتی با مقدمه و حواشی همتع در ۱۹۲۴ در قاهره منتشر ساخته است.

ترجمه‌های الفرق بین الفرق: بیشتر کتاب الفرق بین الفرق (یعنی تا صفحه ۱۸۹ از طبع بدر) را همزیلی تحت عنوان « انشعابها و فرقه‌های مسلمین با انگلیسی ترجمه

(۱) رجوع شود به مقدمه فلیپ حتی بر « مختصر کتاب الفرق بین الفرق »

و در ۱۹۲۰ میلادی در نیویورک بطبع رسانیده است (۱)

۲- و نیز هالکین قسمتی از آن را با انگلیسی ترجمه و در ۱۹۳۶ در تل اویو

(اسرائیل) منتشر ساخته است (۲)

(1) Kate Chamber Seely , Moslem Schisms and Sects ,
in Colombia Univ , Or . Studies vol . xv , New york, 1920 .

(2) - Moslem Schisms and Sects , being the hist . Of
the various philosoph Systems developed in Islam, part2 .
transl . from the Ar . with iutrod . by A . s , Halkin , Tel -
Avivi , 1936 .